

## تحلیل فرآیند و معیارهای تعیین حد بهینه جمعیت در کشور

حجت الله عبدالملکی<sup>۱</sup>

### چکیده:

موضوع جمعیت و ابعاد مختلف آن- از جمله کمیت و آهنگ رشد- و تاثیر آن بر شاخص ها و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی از مسائلی است که همواره مورد توجه منفرد رشته های علوم اقتصادی و جامعه شناسی بوده است. مقاله حاضر، در پی تحلیل فرآیند و معیارهای تعیین حد بهینه جمعیت در کشور نگارش یافته است. در تشریح روش شناسی و مبنای تحلیلی این تحقیق، رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای تشریح و نقش عناصری از جمله ارائه مفاهیم نوین و معرفی متغیرهای توضیحی و وابسته جدید در تحلیل های جامعه شناختی و اقتصادی و نیز جایگاه تحلیل های فضایی و مکان مند در روش شناسی این شاخه علمی مورد تحلیل قرار گرفت.

۱- دکتری علوم اقتصادی- استادیار و معاون آموزشی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگر موسسه مطالعات بین المللی اقتصاد و مدیریت نوآوران مبین. Email: dr.h.abdolmaleki@gmail.com

در ادامه پس از نگاهی گذرا به نظریه های اقتصادی ارائه شده در حوزه حد جمعیت، رویکرد مطالعه حاضر در فرآیند تعیین حد بهینه جمعیت و معیارهای آن با رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای ارائه گردید. خصوصیات ای از جمله معرفی تابع رفاه کل به صورت تابعی تفکیک پذیر از توابع رفاه منطقه ای، لحاظ نتایج بررسی های جامعه شناختی در تعیین متغیرهای موثر بر تابع هدف و تصریح معادلات ساختاری و لحاظ قیدهای زیست محیطی و زیرساختی، از ویژگی های مدل بهینه یابی حد بهینه جمعیت با رهیافت مذکور هستند.

### کلمات کلیدی: حد جمعیت - جامعه شناسی اقتصادی - اقتصاد منطقه ای

#### ۱. مقدمه

جمعیت به عنوان عنصری اقتصادی اجتماعی، همواره مورد بررسی و تدقیق اندیشمندان حوزه های مختلف علوم اجتماعی و انسانی قرار داشته است. از تحلیل ابعاد وجودی عناصر و اجزاء تشکیل دهنده جمعیت - یعنی انسان - تا بررسی خصوصیات اجتماعی آن، در حوزه های مختلفی از علوم بررسی شده است. اما از مهمترین زمینه های مطالعه در خصوص جمعیت، کمیت آن و تاثیرات این کمیت بر ویژگی ها و ابعاد اجتماعی و فردی انسان در حوزه های مختلف است. عباراتی از جمله تنظیم جمعیت، حد جمعیت و تناسب جمعیت از کلید واژه های مرتبط با این موضوع هستند.

مساله حد و تناسب جمعیت، بیش از همه در حوزه علوم اجتماعی (به معنای عام آن) بررسی می شود. اثرات سطح و آهنگ رشد جمعیت بر عواملی از جمله رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی، خشونت های اجتماعی و ... از مباحث مطرح در این زمینه هستند که شاخه های مختلف علوم اجتماعی (از جمله اقتصاد و جامعه شناسی) براساس خروجی اینگونه مطالعات و بررسی ها، نظریاتی را در خصوص حد بهینه جمعیت طرح می نمایند.

مساله ای که در مطالعه حاضر به آن پرداخته شده است، تحلیل معیارهای تعیین حد بهینه جمعیت، با رهیافتی جامعه شناختی - اقتصادی است. آنچه موجب توجه به این مساله می شود، تقابل اقتصادی - اجتماعی منافع و مضرات افزایش جمعیت است. در شرایطی

که دسته ای از اندیشمندان با لحاظ اثرات اشاعه ای و مثبت افزایش جمعیت - به عنوان اساسی ترین عامل تولید و نیز منبع بروز اثرات مثبت اجتماعی - وجود حداقل امکانات اقتصادی و عمومی را برای رشد حداکثری جمعیت کافی می دانند، گروه هایی دیگر با تعریف معیارهایی برای رفاه فردی و اجتماعی و تحلیل نسبت کاهنده آن در قبال افزایش جمعیت - لاقفل در برخی سطوح جمعیتی - کاهش آهنگ رشد و سطح جمعیت را از موضوعات مهم در حوزه سیاست گذاری عمومی می دانند. در مطالعه حاضر، تلاش شده است با مطالعه ای میان رشته ای در علوم جامعه شناسی و شاخه مطالعات منطقه ای در علوم اقتصادی (اقتصاد و برنامه ریزی منطقه ای) معیارهای تعیین حد بهینه جمعیت تدوین و تحلیل شوند. در پایان با توجه به معیارهای مذکور، اظهارنظری کلی در خصوص حد بهینه جمعیت در کشور ارائه شده است.

در بخش بعدی مقاله، به منظور روشن شدن مبنای نظری و الگوی تحلیلی بحث، رهیافت جامعه شناسی - اقتصادی منطقه ای تشریح شده است. در بخش سوم دیدگاه های جمعیت شناختی مرتبط با مساله تحقیق در علوم مورد نظر (جامعه شناسی و اقتصاد منطقه ای) به صورت مفرد ارائه شده است و در بخش چهارم، به جمع بندی معیارهای تعیین حد بهینه جمعیت - با لحاظ رهیافت میان رشته ای تحقیق - پرداخته شده است. بخش پنجم مقاله نیز به جمع بندی و ارائه نتایج اختصاص یافته است.

۲. مبانی تحلیلی؛ جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای

۲-۱. جامعه شناسی اقتصادی و رویکردهای تحلیلی آن

۲-۱-۱. تاریخچه و مفهوم جامعه شناسی اقتصادی:

جامعه شناسی اقتصادی اصطلاحی است که تا چند دهه قبل، قبل کمتر استفاده می شد، اما هم اکنون تا آن اندازه مورد توجه است که بخش ها و دانشکده های جامعه شناسی به تناسب میزان حضور و فعالیت در این حوزه، رتبه بندی می شوند و همه ساله مقالات و کتاب های متعددی در این رشته تالیف و منتشر می شوند. این دانش در اواخر قرن نوزدهم میلادی و در شکل جدید خود، در دهه ۱۳۵۰ متولد شد (Guillen et al, ۲۰۰۳, p ۳۵).

شاید بتوان معرفی شاخه جامعه شناسی اقتصادی را محصول تعارضی در دو نوع تحلیل

متفاوت در خصوص موضوعی واحد دانست. از یک سو علم جامعه‌شناسی به بررسی و تحلیل نهادهای اجتماعی می‌پردازد که یکی از این نهادها، پدیده‌های جمعی اقتصادی است. از سوی دیگر، نهاد اقتصاد به طور خاص موضوع شاخه علمی استوار دیگری به نام علوم اقتصادی است که طی چند قرن به خوبی پرورش یافته است. توجه به نقش تحلیل‌های خالص اقتصادی در بررسی‌های اجتماعی و نیز نگاه جامعه‌شناسانه به موضوعات و پدیده‌های اقتصادی، عاملی مهم در بروز این شاخه علمی جدید بوده است.

آنچه در این نوشتار تحت عنوان رهیافت جامعه‌شناسی اقتصادی منطقه‌ای به موضوع تعیین حد بهینه جمعیت بیان شد، تلاشی اولیه برای گشایش بانی جدید در تحلیل‌های جمعیت‌شناختی بود و تکمیل این میحث، مستلزم مطالعات مفصل‌تر اصحاب اندیشه در دورشته‌های علوم اقتصادی و جامعه‌شناسی و توسعه نظری و کاربردی شاخه جامعه‌شناسی اقتصادی منطقه‌ای است

تعریف استاندارد جامعه‌شناسی اقتصادی عبارت است از: کاربرد نظریات جامعه‌شناختی در توضیح و تفسیر پدیده‌های اقتصادی (Swedberg, ۲۰۰۴).

اما برخلاف اقتصاد نوین، جامعه‌شناسی اقتصادی دارای هسته نظری پایه‌ای و منسجمی که محصول تطور و پالایش در دوره زمانی طولانی باشد، نیست. در واقع جامعه‌شناسی اقتصادی - همانند رشته جامعه‌شناسی - شامل مجموعه‌ای از دیدگاه‌های رقیب و متضاد با درجه مقبولیت و غالبیت

متفاوت است (همان). این رشته در سالهای اخیر همواره در حال رشد و تغییر بوده است، تا جایی که بسیاری از پژوهشگران در مقالات اخیر خود در این زمینه، مدعی ارائه نظریاتی برای "جامعه‌شناسی اقتصادی نوین"<sup>۱</sup> هستند (Guillen et al, ۲۰۰۳, p۶۱).

برخی موضوع جامعه‌شناسی اقتصادی را تحلیل اقتصاد و نهادهای اصلی آن می‌دانند و برخی دیگر، آن را واجد برخی ابعاد سیاسی و از جهت تحلیلی مشابه اقتصاد سیاسی تعبیر می‌کنند. در نگاه اول، "روابط اجتماعی"<sup>۲</sup> به عنوان شالوده تحلیلی وقایع و پدیده‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند، اما در دیدگاه دوم، مبنای تحلیل اقتصادی مدرن - و به طور مشخص نظریه "منفعت شخصی"<sup>۳</sup> - محور تحلیل و تفسیر پدیده‌ها قرار می‌گیرد. اما در نگاهی جامع، ترکیب دو مبحث روابط اجتماعی و منافع شخصی می‌تواند

۱- New Economic Sociology

۲- Social Relations

۳- Interests

با لحاظ دیدگاه های علوم اجتماعی به همراه دیدگاه های اقتصادی مدرن، توانمندی مضاعفی در تحلیل پدیده ها ایجاد نماید (Swedberg, 2004).

## ۲-۱-۲. مبنای روش شناختی در جامعه شناسی اقتصادی:

همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، جامعه شناسی اقتصادی به عنوان دانشی میان رشته ای، از مبانی نظری و روش های تحلیلی دو علم جامعه شناسی و علوم اقتصادی بهره می برد. با وجود اختلاف نظر در خصوص محور تحلیل پدیده های اقتصادی در این شاخه - که در قسمت قبل بیان شد - بنا بر نظر غالب، نظریه های علمی جامعه شناسی در کنار نظریه ها و روش های کمی علوم اقتصادی، در ساختاری منسجم مبنای تحلیل در این شاخه علمی را شکل می دهند.

مبنای روش شناختی دانش جامعه شناسی اقتصادی که به نوعی آن را از علوم اقتصادی و جامعه شناسی متمایز می کند را می توان در دو محور تشریح نمود: الف) خلق مفاهیم جدید و ب) تغییر متغیرهای توضیحی.

## ۲-۱-۲-الف. خلق مفاهیم جدید:

آنچه به عنوان یک نوآوری نظری اساسی، پایه روش شناسی دانش جامعه شناسی اقتصادی را تشکیل می دهد، ارائه مفاهیمی جدید در این شاخه است. این مفاهیم که عموماً در گذشته دارای معانی و تفاسیر متفاوتی در دو علم جامعه شناسی و اقتصاد بوده اند، با ترکیب مبنای نظری دو دانش مذکور و در فرآیندی میان رشته ای معانی جدیدی یافته اند که به جهت قدرت توضیح دهندگی بالاتر، به پیش روندگی برنامه علمی مذکور - دانش جامعه شناسی اقتصادی - کمک کرده اند. دو مورد از این مفاهیم عبارتند از "مفهوم اجتماعی منفعت"<sup>۱</sup> و "مفهوم - مبتنی بر منفعت - نهاد"<sup>۲</sup>.

۱- Sociological concept of interest

۲- Interest-based concept of institutions

## الف-۱) مفهوم اجتماعی منفعت:

"منفعت"، مفهومی است که در اقتصاد همواره به آن توجه شده است، در حالیکه در تحلیل های اجتماعی کمتر به آن توجه می شده و تحلیل آن به سادگی به بررسی های اقتصادی واگذار می شده است. با وجود اینکه هر دو شاخه اقتصاد و جامعه شناسی معتقدند مفهوم منفعت و تفسیر آن در تحلیل های اجتماعی ضرورت دارد، این دو رشته در این معنا متمایز هستند. به عنوان مثال، در علوم اقتصادی تنها به یک معنا از منفعت توجه می شود که معنای اقتصادی آن است و سایر انواع آن در نظریه ها و الگوهای سستی اقتصاد وارد نمی شده اند (Swedberg, ۲۰۰۴). اما در جامعه شناسی اقتصادی بحث می شود به دلیل وجود انواع منافع - به عنوان عوامل انگیزشی در تحرک و رفتار افراد و عوامل اجتماع - و عدم قابلیت سنجش آن با معیار واحد، باید در مطالعاتی اجتماعی و میدانی نحوه عملکرد شقوق مختلف منفعت و نقش آن در تحرکات اجتماعی - اقتصادی تعیین گردد. به عنوان مثال، منافع (انگیزه های) مذهبی یا سیاسی ممکن است در شرایطی بر منافع اقتصادی غلبه نماید و باعث بروز پدیده هایی غیر متعارف - در چهارچوب اقتصاد سستی - گردد. با وجود اینکه عنصر منفعت و انواع آن عنصری ثابت در فطرت انسان است، نحوه بروز و ظهور اجتماعی آن باید محل تامل و مطالعه میدانی قرار گیرد (همان).

## الف-۲) مفهوم - مبتنی بر منفعت - نهاد:

مفهوم "نهاد" و نقش آن در تحلیل های دو دانش علوم اجتماعی و علوم اقتصادی بسیار مهم است. دانش جامعه شناسی از بدو تولد با این مفهوم برخورد داشته است؛ اما مفهوم مبتنی بر منفعت از نهاد، از محصولات جامعه شناسی اقتصادی است.

در جامعه شناسی سستی، مفهوم نهاد تنها برای حوزه های مرکزی جامعه (از جمله اقتصاد، سیاست و خانواده) مورد استفاده قرار می گرفته است. در "نهادگرایی جدید" مطرح شده در جامعه شناسی، هر حرکت یا پدیده فردی یا اجتماعی به عنوان یک نهاد در نظر گرفته می شود. اما مفهوم نهاد در جامعه شناسی اقتصادی، براساس عنصر منفعت شکل می گیرد. در این معنا نهاد عبارت است از "نظامی از عوامل رسمی و غیر رسمی به

هم پیوسته- فرهنگ ها، هنجارها، قوانین و ... که افراد صرفاً برای کسب منفعت به آن روی می آورند" (Swedberg, 2004).

در دیدگاه یاد شده، محور شکل گیری نهاد و عامل تعیین کننده خصوصیات آن، منفعت است.

## ۲-۱-۲. تغییر متغیرهای توضیحی:

عامل روش شناختی دوم که موجب تمایز دانش جامعه شناسی اقتصادی از علوم اقتصادی و جامعه شناسی می شود، استفاده متقابل از متغیرهای توضیحی ارائه شده در تفسیر پدیده های اقتصادی و اجتماعی است.

در تحلیل پدیده های اجتماعی سنتی، مفاهیم و متغیرهایی مطرح شده اند که علوم اقتصادی سنتی از آنها در تحلیل های خود بی بهره بوده است. به عنوان مثال بررسی وضعیت بازار کار و نحوه انتخاب نیروی کار همواره از مسائل و موضوعات مهم در علوم اقتصادی بوده است. اما برخی نظریه های اجتماعی مرتبط با این حوزه، در نظریه های سنتی اقتصاد نیروی کار لحاظ نشده اند. برخی از این نظریه ها عبارتند از "شبکه های اجتماعی"<sup>۱</sup> و نقش آنها در کسب شغل، "مردم شناسی سازمانی"<sup>۲</sup> و "جایگزینی زنجیره ای"<sup>۳</sup>. هریک از این عوامل، می تواند به عنوان متغیری توضیحی در سمت راست معادله رفتاری نیروی کار قرار گیرد (Gibbson, 2000).

در جمع بندی مبنا و نوآوری روش شناسانه دانش جامعه شناسی اقتصادی، دو موضوع خلق مفاهیم نوین با ماهیت میان رشته ای و معرفی متغیرهای توضیحی و وابسته- که منجر به ارائه نظریات جدید در مسائل اقتصادی و اجتماعی می شود- حائز اهمیت ویژه هستند.

## ۲-۲. اقتصاد منطقه ای و رهیافت جامعه شناسی- اقتصادی

موضوع پایانی در تشریح مبنای تحلیلی مقاله حاضر، مبحث اقتصاد و برنامه ریزی منطقه

۱- Social networks

۲- Organizational demography

۳- Vacancy chain

ای و جایگاه آن در رهیافت جامعه‌شناسی اقتصادی است. در واقع با ورود این حوزه جدید، جامعه‌شناسی اقتصادی به عنوان شاخه‌ای میان رشته‌ای، در ترکیب با رویکردی دیگر- یعنی رویکرد منطقه‌ای، که عمدتاً بر دخیل نمودن عنصر مکان و فضا در تحلیل‌های اقتصادی استوار است- به لحاظ نظری (نظریه پردازی) و کاربردی (ارائه و ارزیابی سیاست) از پویایی بالاتری برخوردار خواهد شد.

## ۲-۲-۱. اقتصاد منطقه‌ای؛ پیدایش و پیشرفت:

اصولاً نظام‌های اقتصادی دارای ماهیتی پویا هستند و هرگونه تغییر در آنها آثار مهمی در وضعیت رفاهی، اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه و در نهایت کشور می‌گذارد. در این قالب، نقش اقتصاد مناطق در وضعیت کلی اقتصاد حائز اهمیت است. اقتصاد منطقه‌ای در حقیقت چارچوبی است که در آن خصوصیات فضایی سیستم‌های اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰).

دانش اقتصاد منطقه‌ای، شاخه‌ای از علم اقتصاد است که با هدف رفع خلاءهای موجود در تحلیل‌های سنتی اقتصادی، ناشی از عدم توجه به مکان و پدیده‌های مکان‌مند، توسعه یافته است. موضوع این علم، بررسی پدیده‌های اقتصادی با توجه به شرایط و موقعیت فضایی آنهاست. وارد شدن تحلیل‌های فضایی، مکانی و کالبدی، موجب همکاری رشته‌های مختلف علمی در توسعه این دانش شده است که برخی از آنها علاوه بر اقتصاد عبارتند از جغرافیا، معماری و شهرسازی، مدیریت، علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی.

اعتقاد به عدم جهان‌شمولی بخش وسیعی از نظریات اقتصادی محض و بروز رویدادها و پدیده‌های اقتصادی متفاوت در موقعیت‌های مختلف مکانی، ضرورت توسعه این دانش را افزایش داده است. به همین دلیل این دانش نوپا که به طور رسمی کمتر از ۷۰ سال از عمر آن می‌گذرد، دوره توسعه و رشد سریعی را طی نموده و نظریات آن موجب تحولات عظیمی در سه بخش پژوهش، نظریه پردازی و سیاست‌گذاری اقتصادی شده است. در بخش پژوهش، معرفی ابزارها و شیوه‌های جدیدی از جمله اقتصادسنجی فضایی، تحلیل‌های داده-ستانده بین منطقه‌ای، تحلیل‌های اقتصادی بر مبنای نظام اطلاعات جغرافیایی و ...، موجب تقویت ابزار و روشهای بررسی پدیده‌های اقتصادی



شده است. در بخش نظریه پردازی اقتصادی، تحلیل های منطقه ای منجر به کشف انواع جدیدی از رفتارها و پدیده های اقتصادی شده است که محصول آن، تولید نظریات جدید اقتصادی، نقض برخی نظریات در مناطق خاص و اعتقاد به عدم جهان شمولی برخی نظریات اقتصادی بوده است. همچنین با توجه به ابتدای منطقی سیاستگذاری اقتصادی بر توصیف، تفسیر و تبیین مسائل اقتصادی، توسعه دانش اقتصاد منطقه ای و تحلیل های مربوط به آن، موجب بروز تغییراتی در راهبردهای اساسی، سیاستها و اقدامات اقتصادی شده است که از جمله آنها می توان به تفاوت گذاری در سیاستهای مالی و مالیاتی، قوانین کار، سیاستهای تولیدی تشویقی و سایر جنبه های مرتبط با هدایت اقتصادی بخش عمومی و بخش خصوصی اشاره کرد.

## ۲-۲-۲. برنامه ریزی منطقه ای: اصول و مبانی

برنامه ریزی توسعه فرآیند پیچیده ای است که مستلزم همکاری تخصص های مختلف علمی از جمله اقتصاد، آمار، جامعه شناسی و برنامه ریزی است (افشاری، ۱۳۸۰). به طور عمومی، سه نوع ساختار برای برنامه ریزی معرفی می شوند که عبارتند از برنامه ریزی دستوری، برنامه ریزی ارشادی و برنامه ریزی در نظام های مختلط. در برنامه ریزی دستوری، برنامه ریزان اختیارات لازم برای اجرای مستقیم تمامی جنبه های اصلی برنامه را دارا هستند. در حقیقت در چنین ساختاری تمایزی بین برنامه ریزان و تصمیم گیرندگان وجود ندارد. برنامه ریزی در کشور شوروی سابق با حدود زیادی این چنین بوده است. در برنامه ریزی ارشادی، بر خلاف حالت قبل، برنامه ریزان به عنوان عوامل غیر فعال، تنها اقدام به فراهم نمودن اطلاعات اساسی درباره گزینه های توسعه و پیش بینی های آینده و ارائه آن به کارگزاران اقتصادی می نمایند. هدف از این نوع برنامه ریزی، تلاش جهت ایجاد هماهنگی و سازگاری بیشتر بین تصمیمات مهم با هدفهای عمومی است (افشاری، ۱۳۸۰). ساختار برنامه ریزی در کشورهای در حال توسعه، حالتی بین دو حالت قبل است. در این کشورها که به اصطلاح دارای نظام اقتصادی مختلط هستند، در تولید کالاها و خدمات هر دو بخش دولتی و خصوصی مشارکت دارند. در ساختار برنامه ریزی مختلط، دولت نه تصمیم گیرنده نهایی و قطعی است و نه به طور کامل منفعل، بلکه در برخی امور اقتصاد از جمله قیمت گذاری و ... دخالت می

کند. همکاری و تعاملات بخش خصوصی و بخش دولتی، رمز موفقیت در برنامه ریزی در نظام های مختلط است.

به لحاظ فضایی، برنامه ریزی به سطوح ذیل قابل تقسیم است: الف) برنامه ریزی ملی: که در آن برنامه ها و سیاستهای توسعه اقتصادی و اجتماعی سرزمین و الگوهای توسعه و سیاست رشد در سطوح کلی مطرح و شیوه های اجرای آن ارزیابی و انتخاب می شود؛ ب) برنامه ریزی منطقه ای (یا ناحیه ای): فرآیندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه های مختلف اقتصادی و اجتماعی، با نیازها و امکانات محلی، منطقه ای و ناحیه ای. در این برنامه ریزی چون مشارکت مردم نیز مطرح است، می توان آن را برنامه ریزی از پایین به بالا در جهت انطباق برنامه های کلان با ویژگی های منطقه ای و ناحیه ای دانست (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰).

برنامه ریزی از دیدگاه حوزه جغرافیایی ممکن است بنا به دلایلی مانند عقب افتادگی نسبی مناطق، فقط قسمتی از یک کشور را در بر بگیرد و برای هر یک از مناطق کشور برنامه ای تنظیم شود و بعد این برنامه ها با یکدیگر تلفیق شده، برنامه کشور را به وجود آورد.

بر اساس تعریف، برنامه ریزی منطقه ای یا ناحیه ای، فرآیندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه های مختلف اقتصادی- اجتماعی با نیازها و امکانات محلی (دلیر، ۱۳۸۰، به نقل از معصومی اشکوری، ۱۳۷۶). در واقع برنامه ریزی ناحیه ای (یا منطقه ای)، فرآیندی را شامل می شود که طی آن برنامه های مختلف انسانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک ناحیه (منطقه) به نحوی معقول و علمی و در ارتباط با یکدیگر، هدف یا هدف های خاصی را دنبال می کند که در واقع این نوع برنامه ریزی، حلقه رابط برنامه ریزی شهری و ملی (محلی و مرکزی) است (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۵).

قبل از شروع هر طرح توسعه در قالب هر یک از نظریه های توسعه، داشتن برنامه ای جامعه و حساب شده امری ضروری است. برنامه ریزی منطقه ای به تهیه این ابزار مهم می پردازد. برنامه ریزی منطقه ای رشته ای بین رشته ای و از علمی مثل جغرافیا، اقتصاد، معماری و شهرسازی، مدیریت و علوم اجتماعی بهره می برد. (عبدالملکی، ۱۳۸۲) در حقیقت برنامه ریزی منطقه ای، پرداختن به رابطه بین انسان، محیط و فعالیت است و هدف آن، استفاده بهینه از منابع برای توسعه منطقه است. بنابراین شناخت توانها

و تنگناهای منطقه جزء مبانی کار است. در برنامه ریزی توسعه منطقه ای، توجه به ساختار طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، به خصوص اداری و سیاسی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و خصوصیات کالبدی منطقه از اهم ضروریات است. علم تخصیص منابع در برنامه ریزی اقتصادی و یا سازماندهی مطلوب فضا را اصطلاحاً آمایش سرزمین می گویند. برنامه ریزی جامع توسعه منطقه ای که در پی ساماندهی مطلوب فعالیت های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جهت توسعه اقتصادی سریع مناطق است، شامل مراحل تعیین هدفهای برنامه، تعیین سیاستها و خط مشی های برنامه، تنظیم برنامه های اجرایی و برآوردها مالی، اجرایی و نیروی انسانی است. (زیاری، ۱۳۸۰).

از دیدگاه گروهی از اقتصاددانان، هیچ نقش اقتصادی منفی ای برای جمعیت قابل تصور نیست. در نظریه های مختلف مرتبط با نیروی کار، بازار کار و اشتغال، نظریه ای که افزایش بیکاری را منبعث از افزایش جمعیت بداند وجود ندارد. از سوی دیگر با افزایش باروری و زاد و ولد، افزایش تقاضایی اتفاق می افتد که موجب تحریک طرف عرضه، افزایش تولید و در نتیجه کاهش بیکاری می شود

خمیر مایه اصلی برنامه ریزی منطقه ای را تحلیل های منطقه ای تشکیل می دهد. به طور کلی رهنمودها و راهبردهای اساسی در برنامه ریزی توسعه منطقه ای که مبدا برنامه ریزی هستند، بر پایه اطلاعاتی حاصل می شوند که از طریق تحلیل های منطقه ای به دست می آیند. لذا تحلیل های منطقه ای، نقش مهمی در کیفیت برنامه ریزی توسعه منطقه ای ایفا می کنند. میزان موفقیت این تحلیل ها نیز بستگی به روز بودن آمار و دقیق بودن آنها دارد. در تحلیل های منطقه ای و تدوین

الگوهایی مانند مدل های داده- ستانده منطقه ای و بین منطقه ای، تحلیل تغییر سهم، ضرایب مکانی، مدل های رشد سرمایه گذاری، مدل های پیش بینی جمعیت، مدل های برنامه ریزی خطی، اقتصاد پایه، مدل هزینه- فایده، مدل های ارزشیابی طرح ها و پروژه ها، مقایسه درآمد و مخارج منطقه، مدل تعیین مکان بهینه، برآورد چگونگی و وضعیت مهاجرت و ...، دسترسی به آمار دقیق و قابل اطمینان بسیار مهم است (عبدالملکی، ۱۳۸۲).

## ۲-۲-۳. رهیافت منطقه ای در جامعه شناسی اقتصادی:

در قسمت آغازین بخش دوم مقاله، رویکرد جامعه شناسی اقتصادی، مفهوم و مبانی روش شناختی آن ارائه گردید. در ادامه نیز رویکرد منطقه ای به اقتصاد، برنامه ریزی و اقتصاد منطقه ای، اصول و مبانی آن مورد بررسی قرار گرفت. اما از نوآوری های روش شناسانه مطالعه حاضر، ترکیب رهیافت منطقه ای با دانش جامعه شناسی اقتصادی است. در این الگوی تحلیلی جدید، جامعه شناسی و علوم منطقه ای - بر مبنای تحلیل های فضایی و مکان مند - در خدمت نظریه پردازی و سیاست گذاری اقتصادی قرار می گیرند.

همانگونه که پیشتر گفته شد، جامعه شناسی اقتصادی رشته ای است که با بهره گیری از دیدگاه های علوم اقتصادی و جامعه شناسی و با اولاً) خلق مفاهیم نوین و ثانیاً) معرفی متغیرهای توضیحی و وابسته جدید، به تحلیل دقیق تر پدیده های اقتصادی می پردازد. در این میان رهیافت منطقه ای به جامعه شناسی اقتصادی، به مفهوم لحاظ نمودن عنصر فضا و مکان و پیوست های تحلیلی آن در بررسی مسائل و موضوعات نظری و کاربردی جامعه شناختی اقتصادی است. این رهیافت به دو دلیل موجب پیشروی نظری این رشته می شود:

### الف) ارتقاء مبنای شناخت و نظریه پردازی:

با ورود عنصر فضا به تحلیل های اقتصادی سنتی، برخی از دیدگاه های معرفت شناسانه این رشته از جمله اعتقاد به جهان شمولی نظریات متحول شد. براین اساس تعمیم نظریه های آزمون شده در پاره جغرافیایی خاص به پاره دیگر، مستلزم بررسی و نفی وجود ناهمسانی های فضایی خواهد بود.

در شاخه جامعه شناسی اقتصادی نیز مکان مند نمودن تحلیل ها به خودی خود موجب بروز تغییرات مبنایی مشابه در حوزه شناخت و نظریه پردازی خواهد شد. بدین جهت نظریات جامعه شناسی اقتصادی نیز به سادگی قابل تعمیم به هر حیطه جغرافیایی - ولو پس از اثبات تجربی در مناطق متعدد - نخواهد بود و رفع توهم جهان شمولی نظریات جامعه شناسی اقتصادی، موجب ارتقاء مبنای شناخت در این رشته خواهد شد. این

مطلب به صورت ضمنی بر امکان و احتمال وجود تفاوت های ساختاری در مدل های رفتاری جامعه شناختی - اقتصادی در مناطق مختلف و به تبع آن لزوم تصریح معادلات رفتاری متفاوت در این مناطق تاکید می نماید.

### ب) توسعه ابزارهای تحلیلی:

با معرفی شاخه اقتصاد منطقه ای، تحولاتی نیز در ابزارهای تحلیلی اتفاق افتاد. توسعه برخی ابزارهای تحلیلی گذشته - از جمله معرفی اقتصادسنجی فضایی<sup>۱</sup> (مبتنی بر لحاظ وابستگی و ناهمسانی فضایی در استفاده از روش حداقل مربعات معمولی در برآوردها)<sup>۲</sup> - و یا معرفی ابزارهایی جدید، از جمله تحلیل اقتصاد پایه<sup>۳</sup> و تحلیل تغییر سهم<sup>۴</sup> گردید. این ابزارهای جدید که عموماً برای ارائه تحلیل های منطقه ای معرفی شده اند، بسته به نوع مساله می توانند در آزمون تجربی نظریه های جامعه شناختی اقتصادی سطح اطمینان و قدرت راستنمایی بالاتری را عرضه نمایند.

با توجه به مجموع آنچه در تشریح پایه تحلیلی و روش شناختی مطالعه حاضر ارائه گردید، در راستای پاسخ دهی به مساله تحقیق و معرفی و تحلیل معیارهای تعیین حد بهینه جمعیت در کشور، از رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای استفاده خواهد شد. در بخش بعد به بررسی جایگاه مساله در علم اقتصاد محض پرداخته می شود تا در ادامه - بخش چهارم - با استفاده از الگوی تحلیلی جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای - بهره مند از چارچوب های نظری و تکنیک های تحلیلی زیرشاخه ها و با ساختاری منسجم - معیارهای فوق الذکر بررسی شوند.

### ۳. معیارهای حد بهینه جمعیت در علم اقتصاد (محض)

اقتصاد به عنوان علم تخصیص منابع و یا علم انتخاب بهینه، به موضوعات مرتبط با تولید، توزیع و مصرف می پردازد. یکی از عناصر مهم در این مباحث، انسان و ابعاد فردی و اجتماعی آن است. در واقع موضوع اصلی علم اقتصاد، رفتارهای انسان است. شاخه اقتصاد خرد، به بررسی رفتارهای فردی انسان - به عنوان مصرف کننده، تولید

۱- Spatial Econometrics

۲- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: (LeSage, ۱۹۹۸).

۳- Base Economy analysis

۴- Shift Share analysis

کننده و یا حاکم- می پردازد و موضوع شاخه اقتصاد کلان، رفتارها و ویژگی های  
تجمعی اقتصاد، ناشی از رفتارهای جمعی انسان هاست. بدین جهت جمعیت- به معنای  
کمیت تجمعی انسان- همواره از موضوعات علم اقتصاد بوده و حجم جمعیت و آهنگ  
آن و تاثیرات این دو بر سایر متغیرهای اقتصادی، در مطالعات مختلفی بررسی می شود.  
از مهمترین نظریات اقتصادی سنتی در خصوص حد جمعیت و اثرات آن، نظریه  
مالتوس است. وی در سال ۱۱۸۲ هجری خورشیدی، موضوع رشد هندسی جمعیت، در  
مقابل رشد حسابی غذا و احتمال کمبود غذا در نتیجه این تفاوت مبنایی در آهنگ رشد  
را مطرح کرد. در نظریه مالتوس، تولید کل در طول زمان افزایش می یابد. این افزایش  
موجب رشد بیشتر جمعیت خواهد شد، رشدی که ناشی از زاد و ولد بیشتر و مرگ و  
میر کمتر است؛ اما با توجه به ثابت بودن زمین به عنوان عامل اساسی تولید (لااقل در آن  
زمان) بهره وری نهایی عامل اساسی دیگر، یعنی انسان کاهش خواهد بود (Avery, ۲۰۰۵).

نظریه مالتوس در توضیح وقایع جمعیتی تا اوائل قرن نوزدهم صادق است، اما این نظریه  
در بیان دلیل همزمانی کاهش آهنگ باروری و آهنگ بالای رشد اقتصادی ناتوان است.  
در نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، در تحلیل تصمیم گیری خانوار برای باروری، فرزندان به  
عنوان کالاهای نرمالی در مدل وارد می شوند که با گسترش درآمد و قدرت خرید خانوار  
(افزایش امکانات انتخاب) تعداد بیشتری فرزند مورد تقاضا خواهد بود؛ اما وقایع نشان  
دهنده عکس این مساله بود. در نیمه دوم قرن بیستم افرادی نظیر بکر و لوئیس با طرح  
مساله مبادله کیفیت- کمیت در تصمیم برای باروری، این مساله را حل کردند. در این  
دیدگاه خانوارها فرزندان کمتر و با کیفیت تر را به تعداد بیشتر فرزندان کم کیفیت  
ترجیح می دهند. در این حالت در صورتی که کشش کیفیتی درآمد بالا باشد- یعنی با  
افزایش کیفیت نفر، درآمد وی یا خانواده اش افزایش بیشتری یابد- با افزایش درآمد  
تعداد (کمیت) کاهش پیدا خواهد کرد. در اوایل قرن بیستم نیز نظریاتی در خصوص  
تاثیر توسعه و رشد اقتصادی بر کاهش جمعیت ارائه شد. شالوده این نظریات، افزایش  
بازدهی سرمایه انسانی در نتیجه توسعه اقتصادی مدرن است. همین موضوع موجب می  
شود خانوارها در کشورهای توسعه یافته تر، به فرزندان کمتر و دارای سطح تحصیلات  
(سرمایه انسانی) بالاتر اکتفا نمایند (Fernandez, ۲۰۰۱).

با وجود طرح بحث از جمعیت در شاخه های اقتصاد خرد و اقتصاد کلان، این موضوع بیش از همه در اقتصاد توسعه بررسی شده است.

در بحث کمیت و آهنگ رشد جمعیت و نقش آن در توسعه اقتصادی، دو دیدگاه متضاد مطرح بوده است که غلبه هریک از آنها در هر کشور، موجب اتخاذ سیاست های کاهش جمعیت مختص به خود شده است. در دیدگاه اول، جمعیت بیشتر و دارای آهنگ رشد بالاتر، به معنای منابع طبیعی سرانه پایین تر، سرمایه فیزیکی سرانه پایین تر، وابستگی بیشتر و نیاز بیشتر به زیرساختهای اجتماعی جدید است و همه اینها به معنای وضعیت اقتصادی بدتر جمعیت خواهد بود. این مبحث، هسته مرکزی نظریه های اولیه جمعیت و توسعه اقتصادی بوده است (به عنوان مثال، مطالعات کول و هورور در سال ۱۳۳۷). مطالعات بعدی نیز ویرایش نئوکلاسیک این ایده ها را ارائه می کردند و همگی نشان می دادند جمعیت بالاتر، به معنای درآمد سرانه پایین تر است. اما در دیدگاه دوم، احتمال بروز اثرات مثبت در نتیجه افزایش جمعیت مطرح گردید. در این دیدگاه، بروز اقتصاد مقیاس، شتاب بیشتر رشد فناوری، تغییرات نهادی پیش رونده، ارتباطات و حمل و نقل ارزان تر و توسعه آسان تر سرمایه های اجتماعی به عنوان برخی نتایج مثبت افزایش جمعیت مطرح شدند. کوزنتس با بررسی آهنگ رشد درآمد سرانه و آهنگ رشد جمعیت در بین کشورهای مختلف به این نتیجه دست یافت که هیچ همبستگی معناداری بین این دو وجود ندارد و پس از وی نیز مطالعات زیادی این موضوع را تایید کرد. در سطح خانوار و تصمیم برای باروری نیز نتایج مطالعات و تحلیل ها موید همین دیدگاه بوده است (Lee, 2009).

مطالعات فراوانی در تایید و رد هر دو دیدگاه یاد شده انجام شده است. این مطالعات و نتایج آنها منجر به تغییر و تبدیل سیاست های کشورهای توسعه یافته ای از جمله آمریکا نیز شده است. اما دیدگاه غالب در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه - از جمله ایران - دیدگاه اول، مبنی بر تاثیر منفی رشد بالای جمعیت بر رشد و توسعه اقتصادی بوده است.

در دهه های اخیر نیز سیاست های جهانی نیز غالباً بر سیاست های کاهش جمعیت - به عنوان عاملی تکمیلی برای برنامه های توسعه اقتصادی - تاکید کرده اند. در گزارش عوامل جمعیتی اهداف توسعه هزاره آمده است: "اهداف هزاره بدون تمرکز اساسی تر بر

کاهش آهنگ رشد جمعیت از طریق برنامه های داوطلبانه تنظیم خانواده محقق نخواهد شد. بیشتر رشد جمعیت در فقیرترین کشورهای جهان و عموماً در میان فقیرترین اقشار این جوامع اتفاق می افتد" (Returns of the population growth factor, ۲۰۰۷). در این گزارش، حصول اهداف هزاره شامل ریشه کن نمودن گرسنگی و فقر مطلق، گسترش جهانی آموزش ابتدایی، ارتقاء تساوی جنسیتی و افزایش قدرت زنان، کاهش آهنگ مرگ و میر نوزادان، ارتقاء سلامت مادران، کاهش بیماری های ایدز، مالاریا و سایر بیماری ها و تضمین منابع طبیعی پایدار، با آهنگ

کنونی رشد جمعیت به خصوص در کشورهای فقیر میسر نخواهد بود (همان).

اما فارغ از آنچه به عنوان نتایج بررسی های تجربی و موردی در خصوص اثرات جمعیت مطرح شده است، برخی از اندیشمندان با طرح دیدگاه هایی نظری، بر نقش و اثر مثبت جمعیت در توسعه اقتصادی تاکید دارند.

از دیدگاه گروهی از اقتصاددانان، هیچ نقش اقتصادی منفی ای برای جمعیت قابل تصور نیست. در نظریه های مختلف مرتبط با نیروی کار، بازار کار و اشتغال، نظریه ای که افزایش بیکاری را منبعث از افزایش جمعیت بدانند وجود ندارد. از سوی دیگر با افزایش باروری و زاد و ولد، افزایش تقاضایی اتفاق می افتد که موجب تحریک طرف عرضه، افزایش تولید و در نتیجه کاهش بیکاری می شود (دلالی اصفهانی، ۱۳۸۵).

کنث اررو<sup>۱</sup> و همکارانش در مقاله ای با عنوان "معیار پس اندازهای واقعی و ارزش جمعیت" به تحلیل ارزش اقتصادی جمعیت پرداخته اند. آنها با طرح مفهوم "پس اندازهای واقعی"<sup>۲</sup>، رهیافت نحوه تاثیر گذاری انواع سیاست ها بر رفاه کلی - با معیار پس اندازهای واقعی - را در پیش گرفتند. آنها در مقاله مذکور تحلیلی از نقش تغییر جمعیت در معیار پس اندازهای واقعی - به عنوان شاخصی برای تغییرات رفاهی کل - ارائه نمودند. در این تحلیل، جمعیت به عنوان شکل دیگری از سرمایه، به عنوان یک متغیر وضعیت وارد الگو شده است. بدین ترتیب شرایطی که ارزش این عامل منفی باشد نیز

از مهمترین نظریات اقتصادی سنتی در خصوص حد جمعیت و اثرات آن، نظریه مالتوس است. وی در سال ۱۸۰۳ موضوع رشد هندسی جمعیت، در مقابل رشد حسابی غذا و احتمال کمبود غذا در نتیجه این تفاوت مبنایی در آهنگ رشد را مطرح کرد

۱- Keneth J. Arrow

۲- Genuine Savings



در مدل لحاظ می شود. در مدل مذکور، تابع مطلوبیت تنزیل شده کل اقتصاد با توجه به قید تابع سرمایه (تغییرات حجم سرمایه) حداکثرسازی شده است. نتایج الگو مذکور نشان دهنده مثبت بودن قیمت حسابداری و در نتیجه ارزش جمعیت است. بدین جهت تحت شرایط عمومی، افزایش جمعیت موجب افزایش پس اندازهای واقعی و در نتیجه افزایش رفاه کل خواهد شد (Arrow et al, ۲۰۰۳).

جمع بندی مجموع دیدگاه های اقتصادی در خصوص حد بهینه جمعیت و آهنگ رشد آن، نشان دهنده تعارض آراء در این حوزه است. همچنین نکته مهم در این خصوص، تمرکز عموم تحلیل های نظری بر چهارچوب بهینه یابی نئوکلاسیک است. در این شیوه، تابعی به عنوان تابع هدف حداکثرسازی می شود که متغیرهای وابسته آن را عناصری از جمله رفاه کل، مطلوبیت و درآمد تشکیل می دهند. این توابع با توجه به قیودی از جمله تابع سرمایه گذاری - تشکیل سرمایه ثابت - و یا تابع درآمد کل - امکانات خرید - بهینه یابی می شوند. پس از جمع بندی دیدگاه های اقتصادی در خصوص حد بهینه جمعیت، در ادامه به بحث در تعیین و تحلیل معیارهای تعیین حد بهینه جمعیت در رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای پرداخته می شود.

#### ۴. معیارهای حد بهینه جمعیت در رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای

در ارائه پیش درآمدی بر معیارهای حد بهینه جمعیت با رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای، ذکر چند مطلب مقدماتی برگرفته از دیدگاه های نظری اقتصادی، اجتماعی و منطقه ای لازم است. این موارد مقدماتی در نهایت براساس رویکرد روش شناختی ارائه شده در بخش دوم مقاله و با ترکیب در کلیتی منسجم، پایه ای اولیه برای طرح پاسخ مساله تحقیق با رویکرد میان رشته ای مورد نظر خواهد شد.

#### ۴-۱. چند نکته اقتصادی:

در بخش قبلی، دیدگاه علم و دانشمندان اقتصاد در خصوص حد جمعیت تشریح شد. اما در تشریح معیارهای تعیین حد بهینه جمعیت در رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای، توجه به نکات اقتصادی ذیل لازم است:

#### ۴-۱- الف) تحلیل با استفاده از رویکرد بهینه یابی مقید:

همانگونه که در بخش قبل بیان شد، در رهیافت اقتصادی مدرن و در قالب تحلیل های نئوکلاسیک، تعیین سطوح مطلوب متغیرها عموماً از طریق تدوین یک مدل بهینه یابی، با توابع هدف و قید قابل تعریف و محاسبه و حل مدل مذکور انجام می شود. این شیوه در عموم مطالعات اقتصادی در تعیین سطح جمعیت و اثرات آن مورد توجه قرار گرفته است.

حد بهینه جمعیت، مقداری است که با توجه به محدودیت های موجود، بهترین حالت را- که با معیار یا متغیر خاص شناخته می شود- حاصل کند. این مفهوم، بیانگر ضرورت تدوین یک مدل بهینه یابی برای تعیین حد بهینه است. گام بعدی، شناسایی خصوصیات توابع هدف و قید و نیز متغیرهای توضیح دهنده وابسته خواهد بود.

#### ۴-۱- ب) لحاظ معیار رفاه کل به عنوان جزئی از متغیر هدف:

در غالب تحلیل های بهینه یابی در علوم اقتصادی، متغیر رفاه کل به عنوان متغیر هدف در نظر گرفته می شود. در مدل های ریاضیاتی پیشرفته به منظور امکان مقایسه رفاه افراد مختلف در یک زمان و افراد در طول زمان، از آهنگ های تنزیل مقطعی و بین زمانی استفاده می کنند. عموم این الگوها ها پس از تنزیل توابع مطلوبیت (یا رفاه) فردی، در شکلی تفکیک پذیر آنها به متغیر رفاه کل وابسته می کنند. این توابع در شکل کلی به صورت زیر ارائه می شوند:

$$W = \sum_{i=1}^n \int_{t=0}^{\infty} e^{-\sigma_i t} U_i(C_{it}) dt$$

که در آن، رفاه کل جامعه، ناشی از مجموع مطلوبیت های تنزیل شده افراد جامعه (n نفر) در طول زمانی طولانی است.

در هر صورت لحاظ معیار رفاه کل- لا اقل- به عنوان جزئی از متغیر هدف در مساله بهینه یابی حد جمعیت در رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای لازم است، چرا که براساس اصول اولیه اقتصادی، رفاه کل جامعه- هر چه باشد، ساختار تابعی آن در ارتباط با رفاه تک تک افراد- از متغیرهای رصد در ارزیابی سیاست و عملکرد است.

#### ۲-۴. چند نکته جامعه شناختی:

توضیح و تحلیل معیارهای حد بهینه جمعیت با رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای، مستلزم توجه به نکات جامعه شناختی زیر است:

#### ۲-۴-الف) تصریح تابع هدف، براساس بررسی میدانی و مطالعه تجربی:

براساس چهارچوب اقتصادی، لحاظ رفاه کل جامعه به عنوان متغیر هدف در دستگاه بهینه یابی مقید، امری ضروری و لازم است. اما اینکه متغیر هدف چگونه با متغیرهای توضیحی - از جمله سطح جمعیت - مرتبط شده و از آنها تاثیر می پذیرد، مستلزم توجه به خصوصیات جامعه شناختی جامعه مورد بررسی است.

همانگونه که در تشریح مبنای تحلیلی و روش شناختی جامعه شناسی اقتصادی گفته شد، منفعت - که در نظریه اقتصادی با عنوان مطلوبیت از آن یاد می شود - دارای انواع مختلفی است که در تحلیل های سنتی اقتصادی، تنها یک نوع آن - یعنی منفعت اقتصادی - تعریف شده و در مطالعات در نظر گرفته می شود؛ در حالیکه انواع دیگری از منفعت - در جایگاه انگیزاننده و محرک عوامل اقتصادی - با قدرت اثر متفاوت، در رفتارهای فردی انسان ها و به تبع آن بازخورد جمعی و اجتماعی آن موثر هستند. تفاوت در نوع و شدت منفعت، موجب تفاوت در تصریح تابع رفاه کل خواهد شد. لحاظ انواع مختلف منفعت در تابع رفاه کل در هر جامعه، مستلزم انجام مطالعات جامعه شناختی میدانی و تجربی مکفی و مناسب است.

#### ۲-۴-ب) بررسی امکان ورود سایر متغیرهای اجتماعی به تابع هدف (به صورت مستقیم یا غیر مستقیم):

براساس شکل اولیه تابع هدف، جمعیت به عنوان متغیر تحدید (متغیری که سطح بهینه آن می بایست تعیین شود) در نظر گرفته می شود. اما متغیرهای دیگری نیز از جمله سطح مصرف و سطح سرمایه فیزیکی به عنوان متغیرهای اقتصادی توضیح دهنده رفاه فردی و رفاه کل جامعه در مدل لحاظ می شوند.

در تصریح الگو و تابع هدف نهایی باید با نگاهی جامعه شناسانه، سایر انواع متغیرهای

اجتماعی که از دید اقتصاددان سنتی مغفول مانده اند و نیز نحوه تعامل آنها با متغیر هدف (رفاه کل) از یک سو و متغیر تنظیم (سطح جمعیت) از سوی دیگر لحاظ شود. ورود معادلات رفتاری جدید، می تواند باعث افزایش تعداد توابع هدف و تبدیل مدل به سیستم معادلات همزمان گردد. در هر صورت عدم لحاظ هر نوع متغیر و یا تابع رفتاری موثر، موجب بروز خطای تصریح و کاهش سطح اطمینان پاسخ های تولید شده خواهد شد.

#### ۳-۴. چند نکته در حوزه اقتصاد منطقه ای:

بررسی معیارهای حد بهینه جمعیت با رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای، مستلزم توجه به نکات زیر است در حوزه مطالعات فضایی و اقتصاد منطقه ای است:

#### ۳-۴-الف) طراحی الگو جامع ملی، به شکل تابعی تفکیک پذیر از مدل های جزئی تر منطقه ای:

همانگونه که در بخش دوم تشریح شد، عنصر اساسی در تحلیل های اقتصادی منطقه ای، وارد نمودن عامل فضا و مکان در تفسیر پدیده های اقتصادی است. لحاظ این عامل برای اجتناب از تورش های توضیحی و حداکثر نمودن سطح اطمینان و راستنمایی الگو ضروریست. از سوی دیگر طبق آنچه در خصوص برنامه ریزی منطقه ای بیان شد، تفاوت های مکانی و منطقه ای ساختارها و الگو های رفتاری اقتصادی، دلیل اصلی در تمایز منطقه ای تحلیل های اقتصادی است و محصول تحلیل های متفاوت، ارائه سیاست های متفاوت- ولو برای هدف واحد- است. بدین جهت در الگو جامعه شناختی اقتصادی مورد نظر جهت تعیین حد بهینه جمعیت، می بایست توابع هدف و قید به صورت منطقه ای تعریف و حل شوند. جواب هریک از الگوهای مذکور، تعیین حد بهینه جمعیت در منطقه مورد نظر است. در این حالت، جمعیت بهینه کشور عبارت خواهد بود از مجموع جمعیت های بهینه تمامی مناطق زیر مجموعه.

الگو مذکور- با شرایطی که گفته شد- باید به صورت تابعی کلی (برای کل کشور) و تفکیک پذیر نسبت به توابع منطقه ای تصریح شود.

#### ۴-۳-ب) لحاظ معیارهای ساختاری خاص مناطق (تصریح منطقه ای مدل های تعیین جمعیت):

با توجه به احتمال وجود تفاوت های ساختاری در مناطق، ممکن است متغیرهای توضیحی و یا شکل تابعی توابع هدف و یا قید در هریک از مناطق متفاوت باشد. بدین جهت احتمالا توابع جزئی بهینه یابی - مربوط به هر منطقه - می بایست به شکلی خاص تصریح شوند و قبل یا پس از انجام محاسبات مربوط به تعیین مقدار متغیر تنظیم (حد بهینه جمعیت) آزمون های مربوط به عدم بروز خطای تصریح در تک تک الگوها انجام شود. عدم لحاظ تفاوت های ساختاری مذکور در طراحی الگوهای بهینه یابی منطقه ای، موجب کاهش اطمینان در خصوص نتایج محاسبه شده خواهد شد.

#### ۴-۴. معرفی فرآیند و معیارهای نهایی تعیین حد بهینه جمعیت در رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای (جمع بندی):

در قسمت های قبلی این بخش، برخی از ملاحظات اقتصادی، جامعه شناختی و منطقه ای رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای در تعیین حد بهینه جمعیت بیان شد. بر آن اساس، نحوه تعیین حد بهینه جمعیت به صورت مختصر بدین صورت خواهد بود:

الف) حد بهینه جمعیت در کشور، در قالب الگویی بهینه یابی کلی تعیین می شود؛

ب) متغیر هدف در الگو مذکور، رفاه کل جامعه است؛

ج) رفاه کل جامعه، به شکل تابعی تکفیک پذیر از تمامی توابع رفاه منطقه ای تصریح می شود؛

د) در تصریح توابع رفاه منطقه ای، به تفاوت های ساختاری مناطق که منجر به تصریح احتمالا متفاوت توابع هدف خواهد شد، توجه می شود. در این خصوص، آزمون های مربوط به عدم خطای تصریح الگو ضروری است؛

ه) در تصریح توابع رفاه منطقه ای، همچنین مطالعات میدانی و تجربی جامعه شناختی جهت تحلیل نحوه عمل عنصر منفعت و شقوق آن و چگونگی تاثیر آن بر رفتارهای اهالی منطقه مورد نظر - و یا حتی دسته های مختلف جمعیتی منطقه مورد مطالعه - انجام

می شود. این مطالعات ممکن است علاوه بر تصریح دقیق توابع هدف منطقه ای، سایر متغیرهای اجتماعی را که احتمال تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم آنها بر متغیر هدف می رود، شناسایی و در قالب معادلات ساختاری تکمیلی به الگو وارد نماید. برخی از متغیرهای اجتماعی - اقتصادی که متناسب با مناطق مختلف می توانند در مدل لحاظ شوند، عبارتند از: سرمایه اجتماعی و نحوه تاثیر آن از سطح جمعیت در منطقه، تغییرات بهره وری نیروی کار و نحوه تاثیر آن از بعد خانوار در منطقه، پدیده جایگزینی زنجیره ای در فعالیت های تولیدی اعضای خانوار و نقش بعد خانوار در تحقق و یا عدم تحقق آن.

(و) توابع قید در الگو بهینه یابی هر منطقه، با توجه به وضعیت اقتصادی و اقلیمی منطقه تصریح می شود. در این قیود، علاوه بر توابع سنتی تشکیل سرمایه و رابطه مصرف، تولید و سرمایه گذاری، قیودی از جمله محدودیت های زیست محیطی (فضای مناسب زندگی، وجود آب کافی، مناسب بودن آب و هوا و ...) و نیز محدودیت های زیرساختی (شامل ساختارهای اقتصادی - شبکه ارتباطی، شبکه سوخت رسانی و ... - و زیرساخت های اجتماعی - محدودیت ها در ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و ...) لحاظ می شوند. ورود قیود جدید از جهت در نظر گرفتن مزیت ها و تنگناهای منطقه ای در بهینه یابی نهایی مهم و بر سطح اطمینان نتایج حاصله بسیار موثر است.

ز) با توجه به تفاوت های اقتصادی و اجتماعی مناطق، حد بهینه جمعیت در پاره های جغرافیایی کشور متفاوت خواهد بود. سطح بهینه جمعیت در کشور، مجموع مقادیر بهینه منطقه ای آن خواهد بود.

آنچه در این نوشتار تحت عنوان رهیافت جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای به موضوع تعیین حد بهینه جمعیت بیان شد، تلاشی اولیه برای گشایش بابی جدید در تحلیل های جمعیت شناختی بود و تکمیل این مبحث، مستلزم مطالعات مفصل تر اصحاب اندیشه در دو رشته علوم اقتصادی و جامعه شناسی و توسعه نظری و کاربردی شاخه جامعه شناسی اقتصادی منطقه ای است.

## منابع و مأخذ

- صباغ کرمانی، مجید، «اقتصاد منطقه ای (تئوری و مدلها)»، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران، ۱۳۸۰.
- افشاری، زهرا، «برنامه ریزی اقتصادی»، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران، ۱۳۸۰.
- حسین زاده دلیر، کریم، برنامه ریزی ناحیه ای، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران، ۱۳۸۰.
- حسین زاده دلیر، کریم، تئوری های برنامه ریزی منطقه ای، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ۱۳۷۵.
- عبدالملکی، حجت الله، اقتصاد منطقه ای، بخش خصوصی و توسعه، مجله نوآوران، سال اول، شماره دوازدهم، تهران، ۱۳۸۲.
- زیاری، کرامت الله، اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای، ۱۳۸۰.
- عبدالملکی، حجت الله و همکاران، "تدوین بسته سیاستی توسعه اقتصادی استانهای کشور (مطالعه موردی: استان کردستان)"، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران، ۱۳۸۵.
- دلالی اصفهانی، رحیم، "تقریرات درس تئوری های اقتصاد اسلامی (۱)"، مقطع دکتری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.
- Spatial Econometrics" (circulated for review)," (۱۹۹۸), LeSage, James P -  
.Department of Economics, University of Toledo
- The. (۲۰۰۳). Arrow, Kenneth J & Dasgupta, Partha & Maler, Karel-Goran -  
.Genuine Savings Critrion and the Value of Population, Joint Center
- Malthus' Essay on the Principle of Population", H.C." (۲۰۰۵). Avery, John -  
.Ørsted Institute, University of Copenhagen, Denmark
- New Perspectives on Population Growth and" (۲۰۰۹). Lee, Ronald -

Economic

Development", Departments of Demography and Economics, University of California, (Prepared for UNFPA plenary session on After Cairo: Issues and .(Challenges

All Party Parliamentary Group on Population, Development and -

Return of the Population Factor: Its impact", (۲۰۰۷). Reproductive Health . "upon the Millennium Development Goals

The Toolkit of Economic Sociology", Cornell", (۲۰۰۴). Swedberg, Richard - .University, Department of Sociology

What Is Economic Sociology and Should Any", (۲۰۰۰). Gibbons, Robert - Economists Care?", Department of Economics, Massachusetts Institute of .Technology, Cambridge, Massachusetts

The New Economic Sociology", Russell", (۲۰۰۳). Guillen, Mauro F. et al - .Sage Foundation, New York

